**( 108 )**

**هو الله**

ای منجذبان جمال ابهی ما را امید چنانست که شاهرود بهارود گردد و آن کشور بنفحات قدس معطر شود و آن اقلیم بفیض مبین جنة النعیم گردد زیرا بارقه حقیقت در هر دیار منتشر گردد پر انوار شود و نسیم جانپرور جنت ابهی در هر مرزو بوم که مرور نماید مشکبار گردد پس باید و شاید در هر دم مانند نهنگ دریای احدیت خروش بر آورد و بجوش انداخت و بانگ سروش رساند و گوش هوش بگشاد زمین هر چند خاک شیرین باشد دهقان امین باید و زارع پر تمکین تا تخم افشانی کند و آبیاری نماید و فیض و برکت آسمانی رخ بگشاید و همچنین تا نفوس در هر دیار قیام بر تبلیغ امر پروردگار ننمایند دلبر موهبت جلوه ننماید انوار احدیت نتابد و صبح هدی اشراق نکند و جهان جهان دیگر نشود ایام بکسالت بگذرد و اوقات بی‌ثمر ماند و عاقبت زیان و خسران رخ بنماید حسرت احاطه کند و آرزوی جان مبدل بزیان و خسران گردد تا وقت است باید کوشید و جوشید و خروشید تا صبح امید بتابد و نور توحید بدرخشد و آفاق منور گردد جانها پر بشارت شود دلها پر مسرت گردد دیده‌ها روشن شود و حقائق انسانیه گلشن گردد این است موهبت عظمی این است هدایت کبری این است فضل بی‌منتها و علیکم التحیة و الثنآء (ع ع)